

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگران



از هنگام خیزش پرشکوه کارگران شیکاگو در آمریکا برای بهبود شرایط کار ، افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار از ۱۴ ساعت در روز به ۸ ساعت ۱۲۷ سال می گذرد. در سال ۱۸۸۶ کارگران آمریکا با صفوفی بهم پیوسته قدرت و عظمت نیروی تاریخساز خود را بر علیه نظام سرمایه داری به نمایش گذاشتند. آنان بر علیه استثمار و بیدادگریهای امپریالیسم بپاخاستند و سرانجام توانستند قهرمانانه دست آوردهای عظیمی را از آن خود سازند.

از آن پس همه ساله در اول ماه مه کارگران و انقلابیون سراسر جهان با برپایی تظاهرات خیابانی و رژه های باشکوه ضمن گرامیداشت این روز تاریخی قدرت و همبستگی خود را در مقابل نظام سرمایه داری به نمایش می گذارند. از سال ۱۸۸۶ تاکنون کارگران جهان همواره بر شدت مبارزات خود بر علیه نظام سرمایه داری افزوده و در تکاپوی رهایی کامل از یوغ استثمارگران به ستیز ادامه می دهند. باوجود چنین تحولاتی در اقصی نقاط جهان اما هنوز کارگران ایران در شرایط طاقت فرسای امور می گذرانند .

در کشور ما ایران ، هم اکنون هیچگونه حقوق سیاسی - اجتماعی و صنفی برای کارگران به رسمیت شناخته نمی شود. ارتجاعی ترین قوانین کاروضع گردیده و کارگران فاقد تشکل مخصوص به خود می باشند. از هنگام روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران همه ساله فقط یک روز از سال در مورد کارگران سخن گفته می شود، آنهم به قصد تهی کردن معنی و مفهوم اول ماه مه و لوژ کردن مطالبات کارگران. سردمداران حکومت اسلامی هر سال بنام کارگران اقدام به برپایی یک میتینگ فرمایشی می نمایند. آنها عوامل شناخته شده خود را به این مراسم گسیل می دارند و گردهمایی عده ای از اعضای انجمنهای اسلامی و پاسداران را جشن کارگران می نامند.

با وجود سرکوبهای مداوم جنبش کارگری ، اعدام کارگران انقلابی و بزدان افکندن رهبران سندیکایی اما جنبش کارگری ایران همچنان فعالانه به مبارزات خود ادامه می دهد.

کارگران مبارز!

وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران موضوعی نیست که دولت احمدی نژاد و یا دستگاه رهبری بتواند بر آن سرپوش بگذارد. استمرار تحریمهای نفتی و بانکی تأثیر مخرب خود را بر وضعیت نابسامان کنونی برجای گذاشته ، تداوم چنین شرایطی می رود تا به یک تعارض جدی و غیر قابل کنترل در جامعه بیانجامد.

هم اکنون جناح بوروکرات رژیم به رهبری سپاه پاسداران پرچمدار استمرار رژیم جمهوری اسلامی در ایران گردیده است. از آنجاکه این رژیم از بدو روی کار آمدن بر پایه ایده های سرکوب و آرمانگرایانه قرار داشته است ، لذا یک دید غیر علمی و نگرش عقب مانده ای را بر ارکان اقتصادی کشور نیز حاکم کرده است. رژیم جمهوری اسلامی از یکسو برای تأمین مایحتاج جمعیت بیش از ۷۰ میلیونی ایران به استفاده از فن آوری و علوم پیشرفته روی آورده، از سوی دیگر انحصار تکنولوژی و پیشرفت صنعتی کشور را به بازاریان و سپاه پاسداران سپرده است. امری که باعث تورم فزاینده در ایران شده، شکاف طبقاتی را بیشتر نموده و موجب رکود اقتصادی و درآمدهای پائین مردم گردیده است.

بلند پروازیه‌های رژیم در سالهای گذشته فقط به عرصه سیاسی خلاصه نشده است ، در حوزه اقتصادی نیز تحت تأثیر سرکشی های پی در پی رهبران رژیم، بر وخامت اوضاع اقتصادی کشور افزوده شده است. بطور نمونه تأثیر زیانبار تحریم اقتصادی ایران از جانب غرب بر هیچکس پوشیده نیست. این تحریمها تأثیر غیر قابل انکاری بر روند برنامه ریزی اقتصادی ایران نهاده تا جائیکه تحقق بیشتر پروژه های عمرانی و صنعتی کشور را غیر ممکن کرده است. سران رژیم نه تنها از پذیرش این واقعیت طفره می روند بلکه با ترفند زور و ارعاب ، رکود ناشی از تحریمها را انکار می کنند. بی تفاوتی رهبران رژیم در باره وضعیت هلاکت بار اقتصادی جامعه به حدی است که چندی پیش بازاریان نیز علیه سیاستهای اقتصادی آنها دست به راهپیمایی زدند .

کارگران مبارز

بخوبی آگاهید که چهارسال پیش در واپسین دم حکومت چهارساله احمدی نژاد بر اثر اختلافات جناحهای حاکم بخش ناچیزی از بدکرداریهای سران رژیم هنگام مناظره علنی برملا شد. با وجود قطع افشاگریها از سوی رژیم اما برملا شدن ناچیز حقایق پشت پرده پرتو روشنگری شد تا مردم بیش از پیش از عمق نابخردیهای سران رژیم آگاه شوند. تداوم افشاگریها فرصت مناسبی را برای دخالت مردم پیش آورد تا به قصد ساقط کردن رژیم به خیابانها بریزند . هرچند در آن هنگام یار دیگر در غیاب اپوزیسیون حقیقی ، جناحی از رژیم به رهبری موسوی - کروبوی خود را پیشاپیش موج نارضایتی ها قراردادند ، مردم را به سکوت دعوت کردند و سرانجام جنبش توده ای و پیا خاسته را به کجراه کشاندند.

توفانی که چهارسال پیش بر سر تقرب انتخاباتی از جانب خامنه ای به نفع احمدی نژاد صورت گرفت ، اکنون کل نظام را در نور دیده ، تمام جناحهای حاکم را بجان یکدیگر انداخته است. خامنه ای که چهارسال پیش احمدی نژاد را به رفسنجانی ترجیح داد و اظهار داشت « احمدی نژاد را نعمتی آسمانی می داند» اکنون از مهار رئیس جمهور برگزیده عاجز مانده است .

هاشمی رفسنجانی بعنوان یکی از معماران اصلی جمهوری اسلامی به حاشیه رانده شده ، محمد خاتمی رئیس جمهور ۸ ساله به جرم اصلاح طلبی و ارادت به غرب نامحرم خوانده می شود، موسوی نخست وزیر ۸ ساله خمینی به همراه کروبوی رئیس مجلس در حبس خانگی بسر می برند و اکنون فریاد رهبر از « جریان انحرافی» به رهبری احمدی نژاد به هوا برخاسته است. این حقایق ثابت می کند رژیم حاکم هیچگونه صلاحیتی برای حکومت بر مردم ایران ندارد. توده های مردم نیز سالهاست که نفرت و انزجار خود را از این رژیم اعلام داشته اند . از اینرو تنها راه برون رفت از این وضعیت طاقت فرسا ایجاد اتحاد و همبستگی بین نیروهای انقلابی و مبارز در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اردیبهشت ۱۳۹۲ - اول ماه مه ۲۰۱۳ ۱۱